

۳ روایت از یک رویداد

تظاهرات معلمان: صنفی؟ سیاسی؟ یا سیاسی - صنفی؟

- معلمان معترض: ما هرگونه هدف سیاسی را تکذیب می‌کنیم. ما فقط حق خود را می‌خواهیم
- برخی محافل: عده‌ای از نارضایتی معلمان برای پیش بردن مقاصد سیاسی خود بهره گرفتند

اصلی را بی‌توجهی به نیازها و درخواست‌های منطقی معلمان از یک سو و عدم توجه سازمان‌های ذی‌ربط به هشدارهای تشکل‌های صنفی معلمان می‌داند.

واقع امر این است که یک ماه قبل (چهارشنبه دوازدهم دی ماه) کانون صنفی معلمان در منطقه ۹، با تشکیل یک نشست و دعوت از دو نماینده مجلس (آقایان تیرزاد و زمانی) کوشید مسئولان را متوجه کند که گروهی از معلمان به این نتیجه رسیده‌اند که با نامه پراکنی و مذاکره، نمی‌توان به مطالبات دست یافت. اما آن جلسه و هشدارهایی هم که در آن داده شد، کارساز نبود.

روایت اول

منطق حکم می‌کند ابتدا انگیزه‌های اجتماعات معلمان معترض را از زبان خود آنان بشنویم. لذا با گروهی از آنان به گفتگو نشستیم.

این معلمان به ماهنامه گزارش گفتند که طی سال‌های اخیر، به ویژه پس از پیروزی آقای خاتمی در دوم خرداد ۷۶ که امیدهایی برای بهبود وضعیت عمومی اقشار مردم به وجود آمد، آنان با شرکت در مجامع و تشکل‌های مختلف، تلاش کردند مسئولان را از مشکلات خود آگاه سازند و زمینه رفع این مشکلات را

بهره‌برداری سیاسی کنند، به مارتی‌نیتی ندارند. برخی منابع می‌گویند گروه‌های سیاسی نارضایتی معلمان را دستاویز پیشبرد هدف‌های خود قرار دادند و در این راستا، به شکلی نامرئی معلمان را به سمت این تحرکات سوق دادند.

روایت سوم را از زبان حیدر زندیه، مسئول سازمان معلمان ایران می‌شنویم. او ضمن رد تأثیر مؤلفه‌های سیاسی در رویدادهای اخیر مرتبط با جامعه معلمان، عامل

اجتماعات اخیر معلمان در تهران و چند شهر دیگر، که سرانجام به دخالت نیروهای انتظامی، برخوردهایی خشونت‌آمیز و بازداشت گروهی از معترضان انجامید، حرکتی فی‌البداهه بود؟ صبغه سیاسی، یا صنفی و یا صنفی - سیاسی داشت؟

معلمان می‌گویند ما فقط به دلایل صنفی اقدام به تشکیل اجتماعات اعتراض‌آمیز کردیم. اگر دیگران آن را سیاسی کردند و یا قصد داشتند از این حرکت‌های اعتراض‌آمیز



غیرانتخابی تعیین می‌شوند. معلمان معترض در این باره توضیح می‌دهند در حالی که در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ قرار بود مدیران مدارس و رؤسای مناطق شهر تهران از طریق انتخابات و به ترتیب به وسیله معلمان و مدیران برگزیده شوند اما این طرح پس از چند تجربه، بدون اعلام دلیل، متوقف و به بایگانی سپرده شد. مصاحبه‌شوندگان درباره توقف این طرح می‌گویند این طرح احتمالاً به این دلیل متوقف شد که در صورت تثبیت نظام انتخاباتی در آموزش و پرورش، بسیاری از مدیران میانی و ارشد این وزارت خانه با خطر برکناری مواجه می‌شدند.

معلمان معترض موکداً از گزارش می‌خواهند این نکته حتماً در مجله ذکر شود که آنان هرگونه ارتباط میان حرکت‌های اعتراضی صنفی خود با اهداف گروه‌ها را رد می‌کنند.

روایت دوم

برخی آگاهان سیاسی به گزارش گفتند که سابقه مشکلات معیشتی معلمان به سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ باز می‌گردد. در این سال‌ها به دلیل سوء مدیریت‌های مسؤولان ارشد وزارت خانه، افزایش سنواتی و برخی از مزایای معلمان پرداخت نشد و به حساب دیون گذاشته شد. با گذشت زمان، مسؤولان وزارت آموزش و پرورش به جای پرداخت این دیون و کاهش

لیسانس و بالاتر هستند، همپای کارشناسان سایر ادارات از جایگاه و حقوق متناسب برخوردار نمی‌شوند و اگر علت این امر، پایین بودن ساعت کاری موظف معلمان ذکر می‌شود، ساعات غیرموظف در واقع به این خاطر در نظام آموزشی ملحوظ شده‌اند که معلمان ساعات اضافه تا سقف ۴۸ ساعت در هفته را به مطالعه و تحقیق و افزایش بنیه علمی خویش اختصاص دهند.

معلمان معترض بر وجود تبعیض میان کارمندان ستادی و صفی در آموزش و پرورش نیز تأکید دارند و می‌گویند در حالی که متوسط دریافت کارمندان ستادی به حدود صد و پنجاه هزار تومان بالغ می‌شود، متوسط واقعی دریافت‌های معلمان در حدود صد هزار تومان است.

افزون بر این، پرداخت‌های غیرنقدی و یا پاداش‌هایی که از طرق مختلف به کارمندان اداره‌های ستادی آموزش و پرورش اعطا می‌شود، معمولاً در اختیار کارمندان مدارس و معلمان قرار نمی‌گیرد. پایه دوم مشکلات معلمان عدم حضور ایشان در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های علمی و مدیریتی است. در این میان، یکی از مشکلات موجود آن است که برخلاف دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها، ریاست مدارس و ریاست مناطق آموزش و پرورش از طرق

فراهم آورند. اما علی‌رغم آنکه در سال‌های گذشته از تمامی راهکارهای قانونی و مسالمت‌آمیز برای این آگاهی بخشی استفاده کرده‌اند، هیچ یک از مسؤولان اقدامی برای حل مشکلات معلمان انجام نداده‌اند.

این معلمان معترض همچنین می‌گویند پیش از تجمعات اخیر در مقابل مجلس شورای اسلامی و نهاد ریاست جمهوری، در چند منطقه از جمله مناطق ۸، ۱۴ و ۱۷ به اعتصاب و تعطیلی مدارس مبادرت ورزیدند اما مسؤولان ذی‌ربط به این حرکت‌ها هم پاسخی ندادند. متعاقب این بی‌توجهی، معلمان حرکت خود را ادامه داده و تجمعات خانه معلم و راهپیمایی به سمت وزارت آموزش و پرورش را برگزار کردند. در چنین شرایطی و به دلیل بهره‌مند شدن از امکانات قانونی برای تداوم این اعتراض‌ها، آنان رهبری سازمان معلمان ایران به ریاست آقای زندیه را پذیرفتند و پس از آن حتی تجمعات فاقد مجوز ایشان نیز صورتی شبه قانونی یافت. (در همین باره برخی معلمان گفته‌اند که رهبری خودخوانده سازمان معلمان ایران بر این حرکت‌ها به واسطه جاه‌طلبی‌های عناصر محوری این سازمان و به صورتی کاملاً ناخواسته تحمیل شد و معلمان تنها به خاطر ضرورت تداوم حرکت، از مقابله با این رهبری خود خوانده، اجتناب کردند.)

معلمان معترض مشکلات خود و همکارانشان را در دو گروه دسته‌بندی می‌کنند و می‌گویند که یکی از آن دو گروه مشکلات، مسایل معیشتی است. در این باره اگر چه بخش اندکی از مشکلات معیشتی معلمان به عدم پرداخت افزایش سنواتی برای سال‌های پیشین مربوط می‌شود ولی بخش عمده آن متوجه تبعیض حاکم بین معلمان با سایر کارمندان دولت است. معلمان درباره این تبعیض می‌گویند که به ویژه در مجموعه‌های ثروتمند مانند صدا و سیما، وزارت نفت و ... سطح عمومی دریافت‌ها و کمک‌های مختلفی که به کارمندان اعطا می‌شود، بسیار بالاتر از پرداختی‌ها به معلمان و کارمندان مدارس است. چرا معلمانی که دارای مدرک تحصیلی



آن، افزایش سنواتی سال‌های بعد را نیز پرداخت نکرده و به معوقات و دیون قبلی افزودند، به نحوی که این رقم به میزان قابل ملاحظه‌ای رسید. با شروع به کار اولین کابینه آقای سید محمد خاتمی، هرچند آقای مظفر وزیر سابق تلاش کرد تا مطالبات معوقه معلمان را پرداخت کند اما بر اثر اختلافاتی که میان آقای مظفر و آقای نجفی وزیر سابق آموزش و پرورش و رییس وقت سازمان برنامه و بودجه بروز کرده بود، آقای مظفر موفق به تادیه مطالبات معلم‌ها نشد. برخی آگاهان سیاسی در این باره می‌گویند به دلیل انتقادات آقای مظفر از جبهه دوم خرداد و سیاست‌های کابینه دولت آقای سید محمد خاتمی، هیأت دولت نیز

این آگاهان می‌گویند آقای حاجی که در ابتدای پیروزی آقای خاتمی و دوران صدارتش بر وزارت تعاون از حزب کارگزاران سازندگی به سوی جبهه مشارکت روی آورده بود، توانست در میان هسته مرکزی این جبهه نفوذ کند و موافقت و همراهی آنها را برای دستیابی به پست وزارت به دست آورد.

همین آگاهان می‌گویند پس از انتخاب آقای حاجی به سمت وزیر آموزش و پرورش بسیاری از معلمان و کارمندان این وزارت خانه، انتخاب مذکور را بی‌عنایتی به خود و جامعه آموزش و پرورش کشور ارزیابی و آن را محکوم کردند. چنانکه عناصر مؤثر جبهه دوم خرداد و به ویژه اعضای جبهه مشارکت



او را در گرفتن حقوق معلمان یاری نکرد و بدین ترتیب مشکل عدم پرداخت بدهی معلمان تا سال ۱۳۸۰ و پایان زمان کاری اولین کابینه آقای سید محمد خاتمی لاینحل ماند.

با انتخاب مجدد آقای خاتمی و تشکیل دومین کابینه ایشان، هرچند کرسی وزارت آموزش و پرورش کاندیداهای مختلفی داشت اما آقای جعفر علاقمندان معاون وزارت آموزش و پرورش که مهم‌ترین کاندیدای احراز این پست بود به دلیل طرفداری از حزب کارگزاران سازندگی و تعیین پیش شرط پرداخت مطالبات معلمان از فهرست کابینه حذف و آقای مرتضی حاجی که در آخرین دقیق، برنامه‌های آقای علاقه‌مندان را با اندکی تغییر ارائه کرده بود، جایگزین او شد.

اعتراضی معلمان، کوشیدند این رویدادها را به ناکارآمدی آقای حاجی نسبت دهند و این حرکت خودجوش معلمان را به حرکتی علیه آقای مرتضی حاجی تبدیل کنند.

افزون بر این، هرچند سازمان معلمان ایران، انجام تظاهرات در تهران را در موضع‌گیری رسمی خود مردود دانست، ولی برخی شنیده‌ها از داخل جمعاعات معلمان و تظاهرات ایشان، از رضایت قلبی برخی اعضای سازمان معلمان حکایت می‌کند و بدین علت به نظر می‌رسد که مجموعه تظاهرات انجام شده، از حمایت غیر رسمی این سازمان برخوردار باشد.

اما تحلیل‌گران درباره چشم‌انداز این حرکت‌های اعتراضی می‌گویند چه سناریوی اول (مشکلات صنفی و معیشتی) و چه سناریوی دوم (اهداف پشت پرده حزبی و سیاسی) عامل شروع و یا تداوم روی دادهای اخیر باشد، تمام این حرکات در نقطه فعلی، بعید به نظر می‌رسد، چه آنکه در سناریوی اول معلمان می‌گویند که تمهید مطرح شده از سوی دولت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، به هیچ روی فاصله زیاد میان کارمندان دولت در سایر نهادها با کارمندان آموزش و پرورش را مرتفع نساخته و پایه دوم مشکلات صنفی یعنی عدم حضور مؤثر معلمان در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های مدیریتی و علمی نیز مورد بی‌توجهی کامل قرار گرفته است.

در سناریوی دوم (با فرض صحت آن) گرچه آن عناصری از جبهه دوم خرداد و جبهه مشارکت قصد موجه کردن اثرات منفی وقایع اخیر به سوی آقای مرتضی حاجی را داشته‌اند، اما از مجموعه برخوردهای آقای حاجی با مسایل چنین برمی‌آید که او با بی‌توجهی عمدی به مسأله خواسته است مخالفان را دچار انفعال نماید و همین امر احتمال تشدید اقدامات مقابله‌گرانه را متصور می‌سازد.

روایت سوم

روایت سوم را در قالب یک مصاحبه و از زبان آقای حیدر زندیه مسؤول سازمان معلمان

تلاش کردند تا با پرداخت مطالبات معوقه، جو منفی علیه آقای مرتضی حاجی را بزدایند و نوعی محبوبیت برای او به ارمغان آورند.

در این میان، حزب کارگزاران سازندگی که تمامی کرسی‌های خود را در کابینه دوم آقای سید محمد خاتمی از دست داده بود، تلاش کرد، از میان اعضای کابینه به یاری‌گیری بپردازد. به همین دلیل، این حزب بر آن شد تا با عضو سابق خود آقای مرتضی حاجی ارتباط برقرار کند و سرانجام توانست نظر او را برای بازگشت به کارگزاران جلب نماید.

به ادعای این آگاهان، در پی این چرخش، برخی از رهبران جبهه مشارکت تصمیم گرفتند در مورد آقای حاجی اقداماتی را به مورد اجرا بگذارند و در همین راستا، در جریان حرکت

ایران می شنویم. از ایشان می پرسیم:

در جریان حرکت اعتراضی معلمان دیدگاه های مختلفی درباره حضور در رهبری سازمان معلمان ایران وجود داشت. یکی از این دیدگاه ها انگیزه دخالت سازمان معلمان ایران را جاه طلبی و هدف از این دخالت را تسویه حساب سیاسی با شخص وزیر می دانست. نظر شما چیست؟

زندیه: تحلیلی که ارائه شد کاملاً غلط است، به این دلیل که اعضای شورای مرکزی سازمان معلمان، از مناطق مختلف انتخاب شدند و اکثریت آنان، شاید بالای بیست نفرشان، معلم هستند و تصمیم گیری هم در مسایل مختلف به صورت شورایی است و جالب آنکه در همین تحلیل، شاید من که تنها عضو این سازمان هستم به سازمان مشارکت وابسته ام، اصلاً در آن جلسه حضور نداشتم و مستندات آن را هم دارم.

گزارش: حضور فیزیکی نداشتید، آیا حضور معنوی هم نداشتید؟

زندیه: نه، جدا از این مسأله، اصلاً سازمان شورایی تصمیم می گیرد و فردی نیست که گفته شود فرد این تصمیم را گرفته است. درباره این که مشارکت این حرکت را به راه انداخت، تحلیل های زیادی نشده است. نمی دانم که چطور می شود که مشارکت یک حرکت این چنینی، با مطالبات صنفی را به راه اندازد که متوجه دولت است یعنی نمی دانم برچه اساس مشارکت می آید این کار را علیه دولت می کند؟

گزارش: چرا در این تظاهرات در مورد استعفای آقای وزیر هم شعارهایی داده شد؟

زندیه: این یک بحث جداگانه است چون معلمانی که در تظاهرات بودند مطالبات مختلف داشتند و باید این مطالبات را تحلیل کرد که چه افرادی با چه دیدگاه هایی وارد شده بودند. همه که شعار وزیر بی کفایت را نمی گفتند. قضایایی که اخیراً اتفاق افتاد، مثل حذف معاونت پرورشی و... می تواند انگیزه های قابل توجهی برای برخی شعارها باشد. اما معلمان

عمدتاً از بی عدالتی و تبعیض رنج می برند.

گزارش: به نظر شما آقای حاجی در میان معلمان از محبوبیت کافی برخوردار است؟

زندیه: باید نظرسنجی کرد. البته وقتی فضایی ایجاد می شود خود به خود آن کسی که وزیر هست زیرسؤال می رود من این را نفی نمی کنم ولی اینکه محبوبیت یا موفقیت دارد یا ندارد، حداقل در مورد موفقیت الآن ظلم است که قضاوت و نتیجه گیری کنیم.

گزارش: موفقیت نه! در مورد محبوبیت ابتدایی صحبت کنیم!

زندیه: یکی از مشکلاتی که آقای وزیر (حاجی) با آن مواجه است، این بود که ایشان تقریباً وزیر دقیقه نود بود.

مسئول سازمان معلمان: من مشارکتی

هستم، اما در سازمان فقط به امور

صنفی بها می دهم. دوستان حزب

مشارکت حتی مرا بابت قضایای اخیر

سرزنش هم می کردند

گزارش: گروهی می گویند برنامه ای که ایشان ارائه داد، برنامه آقای علاقمندان بود. نظر شما چیست؟

زندیه: بله، این را قبول دارم.

گزارش: آیا این هم باعث کاهش محبوبیت نشد؟

زندیه: بله ممکن است. اما اینکه آقای حاجی توانست کاری بکند یا نتوانست، این جمعیت را به خیابان نیاورد. این جمعیت به این دلیل به خیابان آمد که از تبعیض و بی عدالتی رنج می برد.

گزارش: عده ای مدعی هستند عدم محبوبیت آقای حاجی نیز در این قضایا نقش داشته است. متقابلاً عده ای هم می گویند مؤلفه های سیاسی در این قضایا دخیل بوده است. شما کدام را صحیح می دانید؟

زندیه: مؤلفه های سیاسی در این حرکتی که سازمان معلمان راه انداخت، صفر است و هیچ ارتباطی هم با جبهه مشارکت ندارد. این مسایل تحلیل غلطی است که وزارت خانه به آقای حاجی داده متأسفانه این هم ریشه در گذشته دارد. چون سازمان معلمان دو هدف اساسی، یعنی به روز کردن و نو کردن آموزش و پرورش و احقاق حقوق معلمان را در صدر برنامه های خود قرار داده و این مربوط به امسال نیست.

در طول سه سال گذشته حرکت هایی روشن گرانه ای هم انجام داده است ولی جواب نداد. اشکالی که باید بررسی شود آن است که نه وزارت خانه و نه سیستم اجرایی ما هیچ توجهی به تشکل ها نداشته اند. البته باید از این فضای سیاسی بیرون بیاییم. متأسفانه تمام ضربه هایی که سازمان دارد می خورد به این بر می گردد که بنده عضو مشارکت هستم و در این موقعیت قرار دارم در حالی که بسیاری از اعتراض ها به عملکرد ما از سمت دوستان ما [در مشارکت] شد. اما من به عنوان کسی که عضو این تشکل هستم، خودم را موظف می دانم که روی خواسته های صنفی معلمان ایستادگی کنم.

گزارش: فکر نمی کنید وقتی به این خواسته ها توجه نمی شود، حرکت های قانونی شما در خانه معلم به تکرار رویدادهای اخیر منجر شود؟

زندیه: این را قبول دارم. اگر مسؤولان می خواهند از این حرکت ها پرهیز کنیم. باید به تشکل ها توجه کنند و هیچ راه دیگری وجود ندارد و برای همین باید نگاه سنتی در وزارت خانه تغییر کند. البته در وزارت آموزش و پرورش همه چیز را به شکل توطئه می بینند. که جای تأسف است، زیرا توطئه ای وجود ندارد. همه اعضای سازمان معلمان شناخته شده هستند و پیشینه مشخصی دارند. چرا آنها در دیدگاه هایشان تجدیدنظر نمی کنند و خودشان را پاسخ گو نمی دانند؟ این تشکل ها هم تا جایی می توانند پیش بیایند و اگر توفیق نداشته باشند، خود معلمان آنها را حذف می کنند.